

ارقام جدول تا ساعت ۱۵ می‌باشد.

نبض بازار



قیمت

۱۷۰۰۰	سیب زمینی نیمه سرخ شده
۵۴۵۰	اسپاگتی ۷۰۰ گرمی
۴۸۰۰	پودر ماشین ۵۰۰ گرمی
۱۰۵۰۰	کشک ۴۵۰ گرمی



قیمت

۶۲۰۰	شیر بطری ۹۴۰ گرمی
۱۴۱۵۰	تخم مرغ ۲۰ عددی
۵۶۰۰	چای کیسه‌ای ۲۵ عددی
۱۴۹۰۰	تن ماهی



قیمت

۲۶۱۰۰	فیله مرغ ۹۰۰ گرمی
۱۲۵۰۰	چرخ کرده مرغ
۳۸۱۶۰	مغز ران ۱۸۰۰ گرمی
۴۵۱۰۰	هات داگ ۷۰ درمدم ۱۰۰ گرمی

ارقام جدول به تومان می‌باشد.

است. «بی بی نیاز» می‌گوید: «این مرد همسرم است، از زمانی که پسرانمان کشته شدند، نابینا شده و گوشه خانه افتاده است.» «بی بی نیاز» در دل داغ سه پسر و سه نوه‌اش را دارد و می‌داند آنها هرگز باز نخواهند گشت اما می‌گوید: «این جنگ زندگی مرا گرفته است اما اگر این وضعیت ادامه داشته باشد، وقتی این بچه‌ها بزرگ شوند، همه آنها را به جنگ با این خشونت‌ها می‌فرستم تا حتی اگر به بهای جانشان تمام شود، آرامش و صلح را به این کشور بازگردانند. اما تنها «بی بی نیاز» نیست که



بی بی نیاز» پیرزنی ۷۰ ساله است که مجبور است در خانه خود از حدود ۴۰ کودک نگهداری کند. این کودکان فرزندان سه پسر او و سه نوه بزرگش هستند که همگی در جریان جنگ با داعش در منطقه خود کشته شده‌اند



## قصه دردناک «بی بی نیاز»

پیرزن ۷۰ ساله افغان ۴۰ نوه و نتیجه خود را به تنهایی سرپرستی می‌کند

قصه‌ای پر درد از تروریسم جاری در افغانستان دارد. در جایی که او زندگی می‌کند، به سراغ هرکس که می‌روی قصه‌ای از خشونت‌های داعش را بازگو می‌کند. یکی از آنها خانواده‌ای است که هفت کودک دارد که به خاطر جنگ پاهای خود را از دست داده‌اند. داستان این خانواده به سال ۲۰۱۸ بازمی‌گردد. زمانی که ۱۰ کودک این خانواده بازی کتان به سمت مدرسه می‌رفتند اما بمبی کنار جاده‌ای بر سر راه آنها منفجر شد. سه کودک کشته شدند اما هفت کودک دیگر زنده ماندند اما بدون پا.

می‌بینم که با وجود فقر و نداری تمام توان را به کار گرفته تا این ۴۰ بچه را با چند تایی نان لواش سیر کند. «بی بی نیاز» دستم را می‌گیرد و مرا به سر جاده‌ای می‌برد و در حالی که قطرات اشک روی گونه‌های چروکیده‌اش می‌غلطند برایم می‌گوید که چگونه سال ۲۰۱۶ داعشی‌ها سر سه پسرش را بردند و روی سینه گذاشتند. به خانه «بی بی نیاز» که بر می‌گردیم، متوجه پیرمردی می‌شوم که در گوشه‌ای خوابیده

می‌پرسند: «تو پدرم را ندیدی؟» آنها هنوز هم نمی‌دانند پدرشان کشته شده است و «بی بی نیاز» به آنها گفته است که پدرشان جایی دیگر است. کار بچه‌ها فقط این شده که در خانه بنشینند به عکس پدرانشان نگاه کنند و برای دیدار دوباره آنها لحظه شماری کنند. با خودم فکر می‌کنم؛ اگر یک روز من هم به خانه برنگردم، کودکانم همین سرنوشت را خواهند داشت. به «بی بی نیاز» نگاه می‌کنم و او را

۴۰ کودک نگهداری کند. این کودکان فرزندان سه پسر او و سه نوه بزرگش هستند که همگی در جریان جنگ با داعش در منطقه خود کشته شده‌اند. «بی بی نیاز» به تنهایی مجبور است از این ۴۰ کودک نگهداری کند. اما انقدر فقیر است که برای این کودکان زندگی در خانه «بی بی نیاز» با زندگی در سلول یک زندان فرقی ندارد. وقتی وارد خانه «بی بی نیاز» می‌شوم، چند تایی از این بچه‌ها دورم حلقه می‌زنند و



اینجا جلال آباد افغانستان است؛ و این خانه «بی بی نیاز». خانه «بی بی نیاز» احتمالاً یکی از غم‌انگیزترین خانه‌های سراسر افغانستان است. «بی بی نیاز» پیرزنی ۷۰ ساله است که مجبور است در خانه خود از حدود